



«فرهیختگان» علل تاخیر در بهره‌برداری از پالایشگاه «ستاره خلیج فارس» را بررسی می‌کند

تکمیل بزرگ‌ترین پالایشگاه بنزین ساز ایران در ابهام!

مهدیه‌سادات شاهمرادی
روزنامه‌نگار

در حالی که در روزهای گذشته با تغییر مدیریت پالایشگاه ستاره خلیج فارس بار دیگر موضوع قدیمی بهره‌برداری کامل از این پالایشگاه و خودکفایی ملی در تولید بنزین مطرح شده است، اما کارشناسان مسائل بنیادینی را مطرح می‌کنند که نشان می‌دهد هنوز هم نمی‌توان به اتمام سریع و کامل این پروژه خوش بین بود.



پالایشگاه ستاره خلیج فارس یکی از طرح‌های بزرگ نفتی ایران است که در ۲۵ کیلومتری بندرعباس و در زمینی به مساحت ۷۰۰ هکتار ساخته شده است. آن‌طور که در سایت رسمی این پالایشگاه آمده، ظرفیت پالایشگاه ۳۶۰ هزار بشکه میعانات گازی است که در قالب سه فاز ۱۲۰ هزار بشکه‌ای در نظر گرفته شده است. پالایشگاهی که در چشم انداز خود، دستیابی به جایگاه اول تولید بنزین در کشور و تبدیل شدن به یکی از پنج شرکت اصلی صادر کننده بنزین در منطقه خاورمیانه را دنبال می‌کرد و مأموریتش بهبود مستمر کیفیت فرآورده‌های تولیدشده جهت کاهش آلایندگی و اصلاح الگوی مصرف و تولید فرآورده‌های نفتی با بهره‌گیری از دانش فنی مطابق با استانداردهای موجود روز دنیا بود، قرار بود اولین فاز بهره‌برداری اش در سال ۹۳ به بهره‌برداری برسد، اما این وعده تا سال ۹۶ محقق نشد.

افتتاح نمایشی پروژه همزمان با تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری

اوایل اردیبهشت ۹۶ بود که همزمان با تبلیغات انتخاباتی دوره دوازدهم ریاست‌جمهوری، رزمه افتتاح فاز اول پالایشگاه در رسانه‌ها شنیده شد و به ناگاه در دهمین روز همان ماه، پس از گذشت ۱۰ سال از آغاز به کار این پروژه عظیم ملی، با حضور رئیس‌جمهور افتتاح شد. همان زمان، بسیاری از رسانه‌های منتقد دولت، این افتتاح را یک نمایش انتخاباتی نامیدند و اعلام کردند که پیشرفت فیزیکی این طرح در دولت اول روحانی و در زمان وزارت رنگنه از ماهانه چهار دهم درصد فراتر نرفته است. درواقع با افتتاح فاز اول این پالایشگاه قرار بود میزان واردات بنزین به کشور به میزان چشمگیری کاهش یابد، اما نه‌تنها این امر

محقق نشد، بلکه در تمام مدتی که قرار بود پالایشگاه ملی به بهره‌برداری برسد و هر روز این اتفاق به تاخیر می‌افتاد، کشور به یک واردکننده بزرگ بنزین در منطقه خاورمیانه تبدیل شده است. براساس آمارهای رسمی، با افزایش ۵-۶ برابری واردات بنزین در پنج سال اخیر و رسیدن رقم واردات سوخت از ۱/۸ میلیون لیتر به ۱۳/۵ میلیون لیتر در روز، تمام وعده‌های دولت یازدهم برای رسیدن به خودکفایی سوخت برپاد رفت.

اهداف ستاره خلیج فارس چه بود؟

مسئولان کشور از تاسیس این پالایشگاه مقاصد گوناگونی را دنبال می‌کردند؛ پالایش ۳۶۰،۰۰۰ بشکه میعانات گازی پارس جنوبی در روز، تولید محصولات مطابق استانداردهای کیفی اروپا، ایجاد ارزش افزوده بیشتر بر میعانات گازی تولیدی در پالایشگاه‌های گازی پارس جنوبی، جلوگیری از صادرات مواد خام و تبدیل آن به فرآورده‌های باارزش‌تر و اشتغالزایی بیشتر در کشور.

این پروژه علاوه‌بر تمام این اهداف به دنبال خودکفایی کشور در تولید بنزین داخلی و همچنین صادرات این محصول بود، ضمن اینکه ایجاد ارزش افزوده بالاتر نسبت به پالایشگاه‌های نفت خام، تولید بیش از ۷۵ درصد بنزین و گازوئیل از خوراک پالایشگاه (میعانات گازی) و استفاده از تاسیسات زیربنایی منطقه بندرعباس جهت کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری، باعث تسهیل صادرات فرآورده‌های تولیدی به خارج از کشور شود.

پروژه پیچیده‌ای که باید سرفصل درسی دانشگاه شود

اکنون با گذشت ۶ ماه از افتتاح فاز اول این پالایشگاه

توسط رئیس‌جمهور انتظار می‌رفت بخشی از این اهداف به ثمر بنشیند، اما نه‌تنها هیچ تغییر محسوسی در میزان واردات بنزین به کشور ایجاد نشد، بلکه دوماه پیش بود که خبر اخراج برخی از کارکنان این پالایشگاه، در رسانه‌ها خبرساز شد؛ موضوعی که بار دیگر برای چندمین بار خبر پروژه نیمه‌تمام را به تیتراخ اخبار رسانه‌های داخلی و خارجی کشاند. بسیاری این کندهی کار و تاخیر در اتمام پروژه را به دلیل شیوه مدیریت پالایشگاه می‌دانستند و به همین دلیل طی این سال‌ها هر از چندگاهی مدیران اصلی یا میانی تغییر کردند و هریک پس از به‌دست آوردن مسئولیت، تصمیم‌هایی گرفتند که بیش از آنکه به تسهیل در روند پروژه کمک کند، به حاشیه‌ها دامن زد. نمونه این تغییرات حضور مرتضی امامی بود که از آذرماه ۱۳۹۵ مدیرعامل پالایشگاه

نفت ستاره خلیج فارس شد و داستان پرحاشیه اخراج ۱۰۰ نفر از کارکنان این پالایشگاه و انتقال آنها به اویکو برای گذراندن دوران آموزشی را رقم زد. هرچند که این داستان نیز مانند سایر اتفاقات یک دهه اخیر در این پالایشگاه به فراموشی سپرده شد، اما مدیران این پالایشگاه همیشه در تیررس اتهام بودند، به‌طوری‌که پیش از این اتفاق نیز، رنگنه در همان روزهای اولی که بر کرسی وزارت نفت دولت یازدهم نشست، زبان انتقاد بر مدیریت این پروژه پالایشگاهی و پیشرفت فیزیکی آن در دولت‌های گذشته گشود و با تاکید بر لزوم

شتاب گرفتن ساخت این پالایشگاه گفت: «این طرح در حال حاضر نشان‌دهنده یک اغتشاش مدیریتی است که می‌توان از آن به‌عنوان موردی خاص برای تدریس استفاده کرد. پس از گذشت هشت سال و اندی از شروع پروژه، این طرح هنوز به نتیجه نرسیده و پیشرفت کنونی آن مایه شرمساری است.»

باز هم مدیری جدید و وعده‌ای قدیمی

همین نگاه منفی به شیوه مدیریتی پالایشگاه باعث شد که چند روز پیش بار دیگر مدیرعامل این پالایشگاه تغییر کند و امامی جای خود را به محمدعلی دادور دهد. هرچند این تغییرات نشان می‌داد که مسئولان امر علت کندهی پیشرفت پروژه را مدیریت ناکارآمد می‌دانند، اما مدیرعامل معزول ستاره خلیج فارس دلیل این کندهی را مشکلات مالی برآورد کرده بود و به این تغییر اعتراض کرده و آن را غیرقانونی می‌دانست. البته این گفته تاحدی درست بود، زیرا بخش قابل توجهی از سهام این پالایشگاه مربوط به بخش غیردولتی بوده و دیگر زیرمجموعه وزارت نفت نیست. آن‌طور که اسناد نشان می‌دهد، در این پالایشگاه ۴۹ درصد سهام متعلق به شرکت تاپیکو وابسته به تأمین اجتماعی، ۳۳ درصد متعلق به صندوق بازنشستگی نفت و ۱۸ درصد نیز به شرکت پالایش و پخش تعلق دارد.

حالا این تغییر مدیریتی جدید نیز باعث شده که موضوع پالایشگاه قدیمی بار دیگر بر سر زبان‌ها



با افتتاح فاز اول این پالایشگاه قرار بود میزان واردات بنزین به کشور به میزان چشمگیری کاهش یابد، اما نه‌تنها این امر محقق نشد، بلکه در تمام مدتی که قرار بود پالایشگاه ملی به بهره‌برداری برسد و هر روز این اتفاق به تاخیر می‌افتاد، کشور به یک واردکننده بزرگ بنزین در منطقه خاورمیانه تبدیل شده است

نگاه ویژه

حمید رضا کریمیان

روزنامه‌نگار

بازار فروش در دنیا سیر تحولی خود را روز به روز و بدون وقفه طی می‌کند؛ تحولی که در بسیاری از جهات، زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

در دهه‌های پیش، مردم برای تهیه مایحتاج خود گاهی تا ساعت‌ها در صفوف انتظار می‌ایستادند و در نهایت هم بسیاری از آنها دست خالی بازمی‌گشتند. آن‌دوره‌ای می‌توان به‌عنوان دوره یک‌ه‌تازی فروشگاه‌ها نامگذاری کرد. در آن زمان، هرچه فروشگاه بزرگ‌تر بود و محصولات بیشتر و متنوع‌تر می‌توانست در خود جای دهد، شانس بیشتری برای جذب مشتری و حتی تعیین قیمت در بازار داشت. با گذشت زمان و صنعتی شدن جوامع، فروشگاه‌ها در ارائه محصولات تخصصی‌تر شده و بالطبع تعداد آنها نیز بیشتر شد. کم‌کم بسیاری از تولیدکنندگان و صنعتگران نیز به‌فکر عرضه مستقیم محصولات خود افتاده و اقدام به تاسیس فروشگاه کردند که این امر نیز بر تعداد فروشگاه‌ها افزود، اما این روند همیشگی نبود. در دهه‌های اخیر، هایپرمارکت‌ها کم‌کم جای فروشگاه‌های بزرگ، کوچک و حتی محلی را گرفتند و مانند زمان گذشته باز هم دست به عرضه همزمان حجم زیادی از محصولات با تنوع بسیار بالا زدند. با این تفاوت که دیگر اقلام عرضه‌شده، مانند قبل نبودند! محصولات جدید حالا دیگر همگام با مدرنیته دچار تغییر شده بودند. با صنعتی شدن تولیدات، محصولات یکسان با شکل، کیفیت و قیمت‌های مختلفی عرضه می‌شدند و رقابت از حالت کمی محض خارج و حالتی کمی- کیفی به خود گرفت. حال این «دست نامرئی» «آدام اسمیت» بود که بازار را کنترل می‌کرد! تلاش بیشتر برای کسب منفعت بیشتر باعث حفظ تعادل در مقدار و نوع عرضه و تقاضا شده و سبک جدیدی از رقابت به وجود آمده بود، اما قضیه به همین جا ختم نشد. تعادل جدیدی که در بازار به وجود آمده بود، امکان کسب سودهای هنگفت را برای تولیدکنندگان و فروشندگان تا حدودی از بین برده بود و آنها مجبور بودند روز به روز دست به دامن نوآوری و تغییرات جدیدی برای کسب سود شوند.

نسل سوم تغییرات

همان‌طور که اشاره شد، اولین تغییرات در بازار، در ساختار



بازارهایی به قیمت جان بازار!

و خریداران در نقاط دوردست، از مشکلاتی بود که ماهیت این سیستم را تهدید می‌کرد.

همیشه پای اینترنت در میان است!

از همان روزهایی که امکان استفاده از اینترنت خانگی برای بسیاری از مردم فراهم شد، کاملاً قابل تصور بود که روزی دایره اثرگذاری اش نیز مانند خودش همه‌گیر شود. از این رو دیری نپایید که اینترنت، بازار عرضه و تقاضا را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. فروشندگان با ایجاد وب‌سایت‌های اجناس خود را در بستر اینترنت معرفی کرده و اقدام به فروش می‌کردند. با فراهم شدن بستر پرداخت‌های اینترنتی و همکاری بانک‌ها با این سیستم فروش، رونق فراوانی را در فروشگاه‌های اینترنتی شاهد بودیم. فروشگاه‌هایی که بدون نیاز به فضای فیزیکی زیاد و هزینه‌های بسیار پایین‌تر از سایر رقبای، علاوه‌بر ارائه خدمات خاص به مشتریان، اجناس را با قیمت تمام‌شده کمتری به مشتری می‌رساندند. در این بین، فروشگاه‌های سنتی نیز مجبور بودند برای حفظ توان

مشکل از کجا شروع شد؟!

تا اینجا بی کار ظاهراً همه چیز به خوبی پیش می‌رفت، اما به مرور زمان بازار دچار عدم تعادل شده و نظام عرضه و تقاضا کنترل بازار را از دست داد. مالیات، عوارض و هزینه‌های اداری و ثبتی در مشاغل بر مبنای فروش سنتی بسیار سنگین بود، حال آنکه سیستم گردش حساب مالی فروشگاه‌های اینترنتی شفافیت لازم را نداشته و حتی فرارهای مالیاتی فراوانی در بین آنها دیده می‌شد. با گذشت زمان، این فروشگاه‌های اینترنتی که دیگر به غول‌های اقتصادی تبدیل شده بودند، کمترین میزان پاسخگویی مالی را نیز بر نمی‌تابیدند و با فشارهای پشت پرده، عملاً امکان حسابرسی دقیق و منظم را سلب کرده بودند. تمرکززدایی شدید پولی، نامعلوم بودن منابع مالی در تشکیلات فروشگاه‌ها و بعضاً دست داشتن منابع

قدرت خارج از کشور در برخی از این فروشگاه‌ها، مشکلات را دو چندان کرده بود. خرده‌فروش‌ها که توان رقابت با شیوه نوین فروشگاه‌های اینترنتی را نداشتند، به ناچار مجبور به خروج از چرخه عرضه-تقاضا شده و بالطبع مالک خرده‌فروشی و کارگانش، شغل خود را از دست می‌دادند. بسیاری از سودجویان نیز از این آب گل آلود ایجادشده استفاده کرده و اقدام به کلاهبرداری از مشتریان در قالب فروش اینترنتی می‌کردند.

امروزه اما قضیه به اینجا نیز ختم نمی‌شود؛ بسیاری از این فروشگاه‌های اینترنتی، با منابع مالی گسترده‌ای که به دلیل نبود نظارت‌های کافی کسب کرده‌اند، اقدام به ایجاد انحصار در بازار کرده و عملاً تعادل بازار را به نفع خودشان به هم می‌زنند. با از بین رفتن بنگاه‌های اقتصادی کوچک، دیگر نیازی به ارزان‌فروشی نیز نبوده و در برخی مواقع محصول را به قیمت‌های دلخواه و بعضاً نجومی به بازار عرضه می‌کنند. مشکل بزرگ دیگری که به وجود می‌آید، عدم امکان نظارت بر صحت کالاهای عرضه‌شده است. در فضای تبادل الکترونیک، به دلیل ضعف قوانین، دیگر بازرس و اتحادیه‌ای وجود ندارد که به فروشگاه‌ها سرکشی کرده و تقلبی بودن یا نبودن و حتی قیمت عرضه کالا را مورد بررسی قرار دهد. گاهی حتی اجناس دست دوم و به اصطلاح تعمیرشده برای مشتری ارسال شده و مشتری بخت برگشته نیز دستش برای شکایت به جایی نمی‌رسد.

دیگر این فروشگاه‌های مجازی و اینترنتی هستند که در بازارهای کشور جولان می‌دهند و ضعف‌های شدید قانونی و نفوذ مالکان این بنگاه‌های اقتصادی در سازمان‌های ذی‌ربط، یک فرصت بسیار ارزشمند اقتصادی را تبدیل به تهدیدی خطرناک برای اقتصاد کشور کرده است. در هر حال، نمی‌توان از مزایای حضور در عرصه دیجیتال و استفاده از این بستر سودمند غافل شد یا آن را به‌طور کامل حذف کرد. اما افزایش نظارت‌ها و ایجاد بسترهای قانونی برای کنترل گردش‌های مالی و کالایی این بنگاه‌های کلان، می‌توان از سوءاستفاده برخی سودجویان جلوگیری کرده و اعتماد را به بازارهای فروش الکترونیکی برگرداند. در غیر این صورت کشور با بحران‌های اقتصادی شدیدی مانند پوشوبی، قاچاق، انحصار و البته ورشکستگی کسبه و صاحبان مشاغل آزاد مواجه خواهد شد.